

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

محمد اسحاق برکت
ورجینیا - امریکا
۱۷ فبروری ۲۰۰۹

با الهام از "اختیار زندگی" از فخر الشعراء "اسیر"

همچون بارهای دیگر این بار هم پارچه شعر پر حلاوت و زیبایی فخر الشعراء "اسیر" زیر عنوان "اختیار زندگی" به دستم آمد، آنرا چندین بار خواندم، در دلم جا گرفت، باز خواندم و باز خواندم. از بس خواندم قلم مجبور شد تا با الهام از آن شعر زیبا، چیزی بریزد مگر نه به آن زیبایی و نغزی که در اصل شعر نهفته. کم ما و کرم یاران.

شمع امید

« سرم ز تیغ کشیدی، چه کار بهتر ازین
که نیست دلشدگان را قرار، بهتر ازین »

دلم ز غصه ندارد قرار، چه بد تر ازین
چه گویمت که منم دلفگار، چه بد تر ازین
کجا روم، چه کنم، شکوه ها اثر نکند
کنم ز فکر و خیالش فرار، چه بد تر ازین

فتاده ام ز خیالش به دام و دانه رنج
چو من فتاده این دام هزار، چه بدتر ازین
چو گویمش که عزیزش بدارم از دل و جان
به قول من نکند اعتبار، چه بدتر ازین
ز شوق بوسه رویش اگــر کنم هوسی
همی شود غضب و ناقرار، چه بدتر ازین
به فکر و ذکر وصالش بشد حیات ز کف
ز من نگفت ، چیزی به یار، چه بدتر ازین
بیا که شمع امیدم هـنـوز میسوزد
بیا بیا، مکن این شمع تار، چه بدتر ازین
شکسته کشتی بختـم به بحر مأیوسی
شوم؟ به زورق دیگر سوار، چه بدتر ازین
دلم به جلوه ربود و برفت پیش رقیب
اگر چه نعره زدم زار زار، چه بدتر ازین
بران شدم که بگیرم سراغ مهـر و یان
اگر چه توبه کنم بار بار، چه بدتر ازین
نشیده های "اسیر" بهر "برکت" می ناب
اگر نگرده ازان پس خمار، چه بدتر ازین
ز سوز و درد فراق وطن همی سوزم
چو بیوطن بشود روزگار، چه بدتر ازین
به من بگفت عزیزِی، مرو ز لانه خویش
کنون ز لانه کنارم ، کنار، چه بدتر ازین